

گفت و گو با حجت الاسلام علی کشوری

طلسم یکسان انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی را باید شکست

طیبه صالحی تجربی

سال ۱۳۷۳ وارد حوزه علمیه بروجرد شده است. ۶ سال بعد به حوزه علمیه قم رفته و از سال ۷۹ تا اواخر ۸۸ به عنوان عضو گروه تطبیق در فرهنگستان علوم اسلامی قم در حوزه جامعه‌شناسی اسلامی تئوریزه کردن انقلاب اسلامی، نقد آثار مرحوم دکتر حسین عظیمی (کارشناس توسعه) و مبانی نظری برنامه چهارم توسعه را دنبال کرده است. سپس در گروه «مدل اسلامی حسینیه اندیشه قم» نقد مدل‌های غربی توسعه را مورد توجه قرار داده است. خود می‌گوید که از سال ۱۳۸۷ در پی تاکیدات رهبری انقلاب، مطالعات مربوط به «نقشه راه پیشرفت الگوی اسلامی» را به جد، تاکنون پیگیری بوده که همین بهانه گفت‌وگوی ما با ایشان شده است. در این گفت‌وگو حجت‌الاسلام کشوری از این الگو، ویژگی‌هایش و چگونگی شناساندن آن به نهادها، صاحب‌نظران و مردم سخن گفته است.

اسلامی دنبال کنید. چه خطری پیش می‌آید؟ خطری که خیلی ظریف است؛ ممکن است به اسم الگوی پیشرفت اسلامی توسعه را رنگ کنند و به ما بدهند، یعنی یک نوع توسعه را بگذارند جلوی ما و بگویند این همانی است که انقلاب به دنبالش بود.

در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ما روی این موضوع متمرکز شده ایم؛ به عبارت دیگر از یک طرف تولید الگوی پیشرفت اسلامی کار یک نفر نیست و باید همه بضاعت علمی کشور در حوزه و دانشگاه و همه نهادها به کار گرفته بشود، تا ان شاء الله در یک آینده میان مدت، یا بلند مدت الگوی پیشرفت اسلامی به تدریج تولید و عملیاتی بشود، اما از طرف دیگر وقتی می‌خواهید همه را به کار بگیرید توسعه را پیشرفت اسلامی انگاشتن خطر اصلی پیش روی ماست.

اگر اسناد بین‌المللی را در زمینه توسعه مطالعه بفرمایید متوجه این سخن می‌شوید. من به یکی از آن‌ها اشاره کنم:

یکی از این اسناد، گزارش‌هایی است که سالانه بانک جهانی تحت عنوان WDI (شاخص‌های جهانی توسعه) منتشر می‌کند. این مرکز بین‌المللی شاخص‌های جهانی توسعه را در شش بخش جهان‌نما، جمعیت، محیط‌زیست، اقتصاد، ملت‌ها و بازارها طبقه‌بندی می‌کند. در این شش بخش در مجموع ۸۰۰ شاخص را

کیهان فرهنگی: شنیده‌ایم که شما پیگیر طرحی با عنوان «نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی» هستید. در این زمینه توضیحاتی بفرمایید.

برای تبیین ویژگی‌های نقشه راه پیشنهادی - تولید الگوی پیشرفت اسلامی - یک مقدمه را بیان می‌کنم: انقلاب اسلامی برای دستیابی به مهم‌ترین مسئله خود - که تئوریزه کردن تفصیلی اداره جامعه بر مبنای دین است - با موانعی روبروست. محور موانع انقلاب در این موضوع، یکسان‌انگاری پیشرفت اسلامی و توسعه غربی توسط نخبگان است. به عبارت دیگر اگر بخواهیم یک فعالیت پژوهشی ملی را در راستای دستیابی به الگوی پیشرفت اسلامی دنبال کنیم به دلیل نبودن نظام‌سازی اسلامی - که نتیجه اش تولید الگوی پیشرفت اسلامی است - نتیجه کار ممکن است به سمت توسعه انحراف پیدا کند.

اگر بخواهم ساده‌تر بحث را مطرح کنم باید بگویم که الان جامعه علمی ما فکر می‌کند پیشرفت اسلامی همان توسعه است؛ البته با تغییراتی!! این در حالی است که ماهیت الگوی پیشرفت اسلامی به کلی با توسعه غربی (Development) متفاوت است. اگر در این شرایط که جامعه علمی، توسعه و پیشرفت اسلامی را یکسان می‌پندارد طرحی را برای تولید الگوی پیشرفت



عکاس: رحمان محمدی

انقلاب اسلامی برای دستیابی به مهمترین مسئله خود-که تنویزه کردن تفصیلی اداره جامعه بر مبنای دین است- با موانعی روبروست. محور موانع انقلاب در این موضوع، یکسان انگاری پیشرفت اسلامی و توسعه غربی توسط نخبگان است.

اسلام و وحی تمام باشد.

کیهان فرهنگی: بنا بر این است که استناد برنامه‌ها و طرح‌های پیشنهادی در کشور به اسلام باشد؛ منظور ما از پرسش این است که جرقه «نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی» کجا و توسط چه کسانی زده شده است؟

در ادامه می‌خواستم همین را عرض کنم. فارغ از حساسیت‌های روانشناسانه که همیشه در همه طلاب وجود دارد یک مجموعه شرایط اجتماعی در پرورش نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی و مجموعه حرکت‌های انقلاب نیز در تدوین این جدول موثر بوده است.

البته اگر بخواهید ریشه هر تحولی را در جامعه اسلامی ایران پیگیری کنید یکی از متغیرهای اصلی اش انقلاب و ادبیات انقلاب است. مسئله ما در این نقشه راه هم، از ناحیه ادبیات انقلاب مطرح شده است، یعنی ما آفات اداره کشور با Development و سایر الگوها را خیلی خوب می‌فهمیم. یک وقت سر کلاس، دانشجویی دورانی را می‌گذراند و کتاب‌هایی را می‌خواند بعد به صورت نظری مسلط می‌شود و می‌گوید توسعه برای ارزش‌های اسلامی

معرفی می‌کنند.^(۱) به عنوان مثال در این گزارش میزان زایمان زیر نظر پزشک، ابتلای به ایدز، استفاده از تلفن همراه و استفاده کاربران خانگی از اینترنت جزو شاخص‌های توسعه معرفی شده است. شاخص‌های توسعه در این گزارش به صورت تفصیلی تبیین شده است. دانشمندان ما با این درک از توسعه آشنا نیستند، حال اگر از این دانشمندان تقاضا کنید که در تولید الگوی پیشرفت اسلامی مشارکت کنند. چه اتفاقی می‌افتد؟ جوابش روشن است؛ ممکن است ایده اجمالی جمهوری اسلامی- الگوی پیشرفت اسلامی- در درک تفصیلی توسعه منحل بشود و به نام پیشرفت اسلامی ما به سمت توسعه یافتگی برویم.

پس خطری که مجموعه فعالیت‌های کشور در دستیابی به الگوی پیشرفت اسلامی را تهدید می‌کند خطر انحلال مفهوم پیشرفت اسلامی در توسعه غربی است. با توفیق خدای تعالی با به‌کارگیری جدول شماره یک گفتمان عدالت و پیشرفت جلوی این انحراف تا حدود زیادی گرفته می‌شود، این مبنای طرح ماست. پس یکسان انگاری توسعه و پیشرفت اسلامی خطر است و جدول شماره یک گفتمان عدالت و پیشرفت راه جلوگیری از این خطر. ان شاء الله.

کیهان فرهنگی: جرقه این دید اجمالی کجا زده شده و شکل گرفته است؟

در طول سال‌های طلبگی موضوع و توجه اصلی برای دوستان ما مسئله انقلاب بود؛ البته این حساسیت ایدئولوژیک و اعتقادی همیشه در طلبه‌ها و در حوزه‌های علمیه وجود دارد که به نام اسلام مسائل التقاطی ارائه نشود. ما هم مثل بقیه طلبه‌ها همیشه حساس بوده‌ایم که اگر الگویی قرار است مطرح شود استنادش به

حرف‌های سیاسی غرب را هم حرف‌های نو و به‌روزی می‌دانیم. آن‌ها این طور می‌گفتند؛ این مباحث را آوردند و تجربه‌ای برای نظام بر این اساس شکل گرفت. ما بازخوانی این تجربه‌ها را در فهم مسئله الگوی پیشرفت اسلامی مؤثر می‌دانیم.

کیهان فرهنگی: با استناد به گفته شما مبنی بر این که بحث در این زمینه نیازمند زمانی طولانی است، مایلیم مصادیقی از آن چه شما در الگوی توسعه اسلامی-ایرانی پیگیری‌شده هستید، بدانیم.

جدول مباحث ما -که نامش «جدول شماره ۱ گفتمان عدالت و پیشرفت» یا «جدول انتقال موضوعات نظام» است- نقشه راهی است که بخش‌های مختلف جامعه بر اساس آن می‌توانند نقشی را در تولید الگوی پیشرفت اسلامی ایفا کنند؛ بنابراین آن چه الان پیشنهاد ماست نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی است، آن هم نقشه راه مرحله پیدایش آن؛ نه نقشه راه تکامل یافته‌اش. باید از مرحله پیدایش کار را شروع کرد.

کیهان فرهنگی: آیا این نقشه راه مرحله پیدایش دارد الان پیگیری می‌شود؟

پیش‌نویس سیزدهم «نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» تولید شده است و ما در مرحله معرفی این نقشه به نخبگان، مسئولان و مردم هستیم. داریم این نقشه را معرفی می‌کنیم. برای تبیین موضوع، فضای جنگ نرم را به فضای جنگ نظامی تشبیه می‌کنم، در این جدول یک مجموعه عملیات پیشنهاد شده است، ما حوزه را واحد اطلاعات و عملیات جنگ نرم می‌دانیم. بر اساس این نگاه نقشه‌ای را آماده و پیشنهاد نموده ایم. طبیعی است که انتظار داریم ستاد‌های عملیات نظام روی این نقشه بحث کنند. ممکن است از حیث‌های مختلف بر این نقشه خدشه وارد شود ولی تقاضای ما این است که نیروهای انقلاب و نهاد‌هایی که گرفتار مسئله جنگ نرم هستند و می‌خواهند برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی تلاش کنند، به این نقشه توجه نمایند. روح محوری و نقشه ما همان‌طور که عرض کردم این است که اگر بر اساس عملیات بشود نخبگان،



مسئولان و مردم درکشان از تفاوت توسعه و پیشرفت اسلامی یک مرحله ارتقا پیدا می‌کند؛ این اثر اول نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی است. وقتی که این درک ایجاد شد شما می‌توانید در مراحل تکاملی‌تر برنامه ریزی کنید و حرکت در تولید نهایی الگو منطقی‌تر می‌شود. ما عرضمان این است که سخن گفتن از تولید الگوی پیشرفته اسلامی با توجه به این که یک حرکت فراگیر است بدون ایجاد درک فراگیر نسبت به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی یک حرکت خیالی است و تا این درک ایجاد نشود هیچ طرح و نقشه‌ای در کشور به سرانجام نمی‌رسد. ما این جا را آسیب

مضر است. ولی غیر از آن مباحث نظری که باید بحث شود ۳۰ سال تجربه عملی انقلاب پیش رویمان است. بازخوانی این تجربه‌ها پایه این نقشه راه است.

کیهان فرهنگی: تجربه‌هایی که الان بر روی کاغذ آمده چیست؟

بعد از این که جنگ تمام شد و امام عظیم‌الشان به رحمت خدا رفتند ما برای اداره کشور تجربه دوران سازندگی را داریم که امروز پیش روی ماست و البته با اجازه شما می‌خواهم سؤال را به سمت مباحث نظری نبرم. چرا؟ چون اگر از ما بخواهید که استدلال‌های نظریان در مخالفت با توسعه را مطرح بکنیم این مسأله یک ترم دانشگاهی وقت می‌خواهد و در یک مصاحبه نمی‌گنجد. ولی اگر شما تجربه دوران سازندگی را ببینید و این که یکی از شاخص‌های اسلامی مسأله عدالت و مستضعفین است می‌توانیم فعالیت‌هایی که در دوران سازندگی ذیل شعار سازندگی انجام شد، را بر اساس شاخص عدالت ارزیابی کنیم. این شعار، شعار درستی بود ولی آیا نحوه برنامه‌ریزی - که به سمت توسعه غربی رفت - به نفع مستضعفین و تحقق شعار عدالت بود، یا برعکس؟ عدالت یکی از شعارهای اصلی انقلاب است، ما در دوران سازندگی به سمت تشدید فاصله طبقاتی و تضعیف بیشتر مستضعفین رفتیم. اصطلاحی از دوران سازندگی باب شد تحت عنوان «اقتدار آسیب‌پذیر». یعنی نه تنها نخواستند به سمت عدالت بروند - که بر اساس الگوی غربی به سمت عدالت نمی‌توان رفت - بلکه عدم تحقق شاخص‌های انقلاب شوریزه شد!

لذا یکی از عواملی که باعث شد انقلاب و نیروهای انقلاب به

فارغ از حساسیت‌های روانشناسانه که همیشه در همه طلاب وجود دارد یک مجموعه شرایط اجتماعی در پرورش نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی و مجموعه حرکت‌های انقلاب نیز در تدوین این جدول مؤثر بوده است.

همه حرف ما این است که چون درک روشنی از الگوی پیشرفت اسلامی وجود ندارد، تلاش‌ها در مرحله نقشه راه تولید الگو به سمت توسعه منحرف می‌شود.

این نتیجه برسند که ما نیاز به الگوی پیشرفت اسلامی داریم تجربه دوران سازندگی است. تجربه دوران اصلاحات را هم می‌توانید اضافه کنید تا بحث دقیق‌تر شود. در دوران اصلاحات تلاش شد تا از الگوهای غربی برای اداره کشور در بخش سیاسی هم استفاده شود. شعار توسعه سیاسی و تلاش برای دموکراتیزه کردن ساختار جمهوری اسلامی - که رسماً توسط نظریه پردازان آن دوران (بعضی از شخصیت‌هایشان) مطرح شد - در جامعه مبنای فعالیت اصلاح طلبان قرار گرفت. آن‌ها می‌گفتند که ما مثل دوران سازندگی فقط بخش اقتصاد را بر مبنای الگوی سرمایه‌داری اداره نمی‌کنیم؛ بلکه

روح محوری و نقشه ما این است که نخبگان، مسؤولان و مردم در کشان از تفاوت توسعه و پیشرفت اسلامی یک مرحله ارتقا پیدا می کنند؛ این اثر اول نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی است.

ممکن است بحث های نو و جدید انقلاب برای عده ای که با چراغ گردسوز توسعه مانوس هستند درک نشود. بعضی در محیط توسعه پرورش یافته اند و به دنبال همان الگوهای متداول روز دنیا هستند، وقتی شما از یک چیز جدید برایشان صحبت می کنید شاید مسئله را درک نکنند.

هستند) موضوع توسعه را به افزایش تولید کشور یا مثلاً تولید یک سری محصولات منحصر یا محدود بدانند. مسئله اصلی توسعه و الگوهای ساخت یک تمدن است. حالا وقتی شما می گویند الگوی پیشرفت اسلامی یعنی ابزار ساخت تمدن اسلامی. اگر کسی الگو را در این سطح قبول نداشته باشد، یعنی اصلاً مدعی تقابل انقلاب و مدرنیته نبوده است، طبیعتاً با چنین افرادی سخن گفتن از الگوی پیشرفت اسلامی - به معنایی که گفتیم - «جدول موضوعات انتقال نظام» مفید نیست. چنین افرادی به دنبال الگوی مالزی و ترکیه و... هستند. یعنی نام اسلام را به الگوی مورد نظر خود می چسبانند و می گویند که این همان الگوی پیشرفت اسلامی است.

همان طور که گفتیم ایده محوری انقلاب قبل از ظهور، ساختن تمدن نوین اسلامی است. البته ممکن است عده ای معنای تمدن نوین اسلامی را فعلاً متوجه نشوند؛ برای تبیین این موضوع مثالی عرض می کنم:

می گویند ادیسون وقتی که می خواست لامپ را بسازد و ارائه بکند آن روز الگوی مصرف در بحث روشنایی، چراغ های گردسوز بوده است. ادیسون برای ساخت لامپ احتیاج به بودجه ای تحقیقاتی داشت؛ لذا عده ای را به پشتیبانی از پروژه خود دعوت نمود. ادیسون توضیح می داد که ما می خواهیم یک لامپ بسازیم. این ها سؤال کردند: لامپ شما فتیله اش چه طوری است؟ چه فرقی با فتیله چراغ های گردسوز دارد؟ مثلاً جنسش فرق می کند؟ ابریشم است؟ ادیسون گفت: این اصلاً تو پر است، این ها رفتند توی فکر که چه طوری یک چیز تو پر یا یک فلز می تواند روغن را از مخزن سوخت به محل اشتعال انتقال بدهد. این ها نتوانستند مسئله را درک کنند. ادیسون بیشتر موضوع را شکافت و توضیح داد که سوختش هم نامرئی است. توضیح بیشتر ادیسون بر ابهامها افزود. در نهایت وقتی مطرح کرد که اشتعالش هم در محیط خلأ واقع می شود به کلی جلسه قفل شد. به هر حال، جلسه را ترک کردند و گفتند ما حرف این آقا را نمی فهمیم. حالا ممکن است بحث های نو و جدید انقلاب برای عده ای که با چراغ گردسوز توسعه مانوس هستند درک نشود. بعضی در محیط توسعه پرورش یافته اند و به دنبال همان الگوهای متداول روز دنیا هستند، وقتی شما از یک چیز جدید برایشان صحبت می کنید شاید مسئله را درک نکنند.

کیهان فرهنگی: مشاهده آن اختراع در واقع دیگران را در

اصلی می دانیم؛ لذا ایستاده ایم تا ابتدا این مسئله حل شود. **کیهان فرهنگی: پس این یکی از موانعی است که شما سعی دارید پشت سر بگذارید.**

سخن شما درست است منتها فقط با این تأکید که این یک مانع، مادر همه موانع است؛ جامعه علمی ما نمی داند که می خواهد برای تولید چه چیزی حرکت کند. به تعبیر امام خامنه ای طلسمی در یکسان انگاری توسعه و پیشرفت اسلامی وجود دارد (۲) و اگر این طلسم شکسته نشود خروجی تلاش برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی می شود یک الگوی توسعه.

کیهان فرهنگی: چه طور می خواهید این طلسم را بشکنید؟

از این جا وارد بحث خود جدول می شویم. تا اینجا به مدد سوالاتی که مطرح کردید یک تبیین اجمالی از مسئله شد و این که نیاز داریم حرکتی را شروع کنیم. یعنی ما عرضمان این است که اگر این طلسم را نشکنیم ظاهراً جامعه برای این موضوع همایش هایی برگزار می کند و ممکن است بعدها سفارش کتاب هایی هم به حوزه و دانشگاه داده شود. حوزه و دانشگاه یک سری متون هم بنویسند، حتی دوره های دکتری هم راه بیفتند و بعدها در تصمیم سازی برنامه های توسعه کشور هم از این ایده ها استفاده بشود. ولی همه حرف ما این است که چون درک روشنی از الگوی پیشرفت اسلامی وجود ندارد، تلاش ها در مرحله نقشه راه تولید الگو به سمت توسعه منحرف می شود. این جدول «موضوعات انتقال نظام» یا همان جدول شماره یک گفتمان عدالت و پیشرفت جلوی این خطر را به فضل الهی و به مدد الهی خواهد گرفت.

کیهان فرهنگی: آیا این جدول در حال حاضر اجرایی است؟

بله. بر اساس این جدول مثلاً شما می توانید یک سری کارها را در قوه قضاییه شروع کنید. یک سری کارها را در مجلس یا در دولت، حوزه، دانشگاه و ...

کیهان فرهنگی: آیا با نهادهایی که نام بردید ارتباط داشته اند؟

بله.

کیهان فرهنگی: یعنی زمینه های پذیرش آن ایجاد شده است؟

ما تازه در قدم های اولیه کار هستیم. یعنی بعد از آن مطالعات ده ساله ای که قبل از نوشتن این جدول بوده و نوشتن این جدول که ۴ سال طول کشیده است در آغاز تفاهم روی این موضوع هستیم. **کیهان فرهنگی: به هر حال، می توان گفت یک گام برداشته اید.**

آن یک گام، مبتنی بر این مسئله است. ممکن است مخاطب ما در حوزه و دانشگاه این را قبول نداشته باشد و بگوید مسئله الگوی پیشرفت اسلامی اصلاً چیزی در حد ساخت یک تمدن جدید نیست!! گاه شما الگوهای توسعه را موضوع انتقال به ساخت تمدن مدرن در کشور می دانید. الگوی توسعه ابزار مدرنیزاسیون است. اگر کشوری بر اساس الگوی توسعه عمل کند از عدم توسعه به توسعه یافتگی تغییر پیدا می کند. یک وقت الگوی توسعه را در این سطح مطرح می کنیم، البته عده ای در کشان از توسعه مثلاً به معنای افزایش GDP و افزایش ارزش افزوده است! من احساس نمی کنم اساتید دانشگاه یا علمای حوزه (انها که در بحث مسلط

مقابل آن مسئله تسلیم کرد. شما این جا فکر می کنید چه

اهرم هایی می تواند قضیه را پیش ببرد؟

همان طور که شما به درستی اشاره کردید در آن مسئله خاص می شد. بعضی ها هم همکاری کردند و به ادیسون پولی دادند و وی توانمندی اش را نشان داد و آن ها فهمیدند. ولی مسئله ما ساخت یک تمدن است و مثل ساخت یک چراغ نیست. هم زمان بیشتری می برد، هم این که شما احتیاج دارید که همه را به کار بگیرید تا این تمدن ساخته بشود؛ لذا حتما این مسئله را باید حل کنید که جامعه علمی فهمی- ولو اجمالی- از موضوع پیدا بکند. فهم این مسئله در تئوریزه کردن الگوی پیشرفت اسلامی خیلی مهم است. حالا ما هم داریم عرض می کنیم اصلا اصل انقلاب به دنبال ساخت یک تمدنی است. این هایی که «چراغ گردسوزی» فکر می کنند، این هایی که بر اساس ادبیات توسعه به مسئله الگو نگاه می کنند، باید با این ها از یک مجرای تفاهم را آغاز کنیم.

کیهان فرهنگی: جدول موضوعات انتقال نظام دارای چند موضوع است؟

همه حرف ما این است که چون درک روشنی از الگوی پیشرفت اسلامی وجود ندارد، تلاش ها در مرحله نقشه راه تولید الگو به سمت توسعه منحرف می شود. این جدول «موضوعات انتقال نظام» یا همان جدول شماره یک گفتمان عدالت و پیشرفت جلوی این خطر را به فضل و مدد الهی خواهد گرفت.

۲۷ موضوع اصلی که اگر محور گفتمان و موضوع بحث قرار بگیرند به «چراغ گردسوز کار»ها می توانند مفهوم لامپ را انتقال بدهند.

کیهان فرهنگی: چند مورد را می توانید نام ببرید؟

قبل از آن لازم است نکته ای را عرض کنم. پس تا اینجا بحث روشن شد.

کیهان فرهنگی: بله. منتها هنوز پاسخ یک سؤال را از شما نگرفته ایم. اگر قرار است (بنا به گفته خودتان) همه در ساخت تمدن پایدار اسلامی مشارکت بکنند باید زمینه های این مشارکت - یا به تعبیری همفکری- به درستی روشن و برای نخبگان تبیین شود؛ شرایط امروز مانند اوایل انقلاب نیست که گفته شود بخشی از نیروهای متخصص، تعلق خاطری به انقلاب ندارند. اکنون متخصصان متعدد بسیاری هستند که تا مقطع بالای علمی- پژوهشی در کشور پیش رفته اند و تعلق خاطر هم به انقلاب و ادبیات انقلاب دارند.

راهکارهایتان برای اجرای این طرح چیست؟

بله. شما به خوبی مسئله را تشریح کردید؛ ولی الان در داخل انقلاب جمعیت زیادی معتقد به این انقلاب وجود دارند....

کیهان فرهنگی: که متخصص هم هستند.

پس ما طبیعتا باید با این نیروها ی خودی که طیف وسیعی را در بر می گیرند ایده جمهوری اسلامی را به صورت تفصیلی تفاهم

کنیم و دیگر نمی توانیم بگویم عیب از این هاست. نظریه پرداز - که انقلاب باشد- باید ایده خود را روشن و تبیین نماید و درباره آن بحث کند. بالاخره مردم پای انقلاب ایستادند، نخبگان در همین انقلاب دارند کار می کنند. از این جا من بخش دوم عرایضم را شروع می کنم که عیب های خودمان را در انتقال ایده به جامعه جست و جو کنیم. روح بحث ما اتفاقا همین است. منتها نخواستیم از آن جا شروع کنیم.

کیهان فرهنگی: ولی طرح موضوع باید بشود.

بله. این در کار ما مفروض است. اگر خدای متعال توفیق دهد و ما تا آخر در اردوگاه انقلاب بمانیم - که من این توفیق را از خداوند می خواهم - باید به این موضوع توجه داشته باشیم. اما چگونه باید عمل کنیم، که ایده انقلاب برای خودی ها جا بیفتد؟ برای کسانی که دلشان می سوزد و مؤمن اند. ما باید عیب خودمان را ببینیم و همین کار را هم کردیم. خیلی هم کار نداشتیم با اطرافمان که آیا دیگران حواسشان هست یا نیست. اول سعی کردیم عیب را در خودمان برطرف کنیم و خدای متعال عنایت فرمودند (که البته همه اش هم عنایت خدای متعال است). به نظر ما این جدول و ۲۷ موضوع آن، اهرم هایی اند که اگر به آن ها پردازیم، یک قدم درک جامعه نسبت به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی شفاف تر می شود. من در ادامه چند تا مثال می زنم تا مسئله روشن تر شود ولی قبل از آن لازم می دانم چند نکته را عرض بکنم:

تا الان بحث روی این بود که کسانی متوجه معنای الگو به عنوان ابزار ساختاری تمدن نیستند که ما عرض کردیم با آن ها دچار مشکل می شویم، ولی از این جا روی بحث ما با کسانی است که می دانند الگوی پیشرفت اسلامی ابزار ساخت تمدن نوین اسلامی است. وقتی ما با این دوستان وارد بحث می شویم طبق مطالعه میدانی سه گروه با سه روش می خواهند این انتقال را انجام بدهند، یعنی این ایده را به جامعه منتقل کنند:

گروه اول از ابزارهای آموزشی برای انتقال ایده محوری انقلاب و تبیین تفاوت توسعه و پیشرفت اسلامی استفاده می کنند. ما به سه دلیل با این روش ها مخالفیم؛ دلیل اولمان این است که در این موضوع، منابع پژوهشی و آموزشی مکفی وجود ندارد. بدون منابع معتبر پژوهشی و آموزشی نمی توان به سمت آموزش رفت. **کیهان فرهنگی: این یعنی توقف در همان مرحله اول.**

بله. علاوه بر فقدان منابع علمی، فقدان منابع انسانی متبحر در این موضوع، مانعی برای استفاده فراگیر از این روش ها ست. از همه این ها مهمتر این که جامعه علمی نیازی به الگوی پیشرفت اسلامی احساس نمی کند. چون آن را فهم نمی کند نیازی هم به آن احساس نمی کند و لذا عزم ملی در فهم آن از طریق آموزش به وجود نمی آید.

گروه دوم از شیوه های ترویجی و تبلیغی استفاده می کنند. اگر به ماهیت کار آن ها هم دقت کنید می بینید به طریق اولی با این روش هم نمی توان مسئله الگوی پیشرفت اسلامی را جا انداخت. شما وقتی فکری را آماده آموزش کردید، می توانید ترویجش کنید، معرفی اش کنید. فرض بفرمایید ما الان در خدمت شما هستیم و در قالب یک مصاحبه می خواهیم ایده تولید شده خودمان را که

توفیق نصرت و یاری دین خدا را از اعراب گرفت و به قوم ایرانی منتقل کرد، نه این که ایرانیّت در ساخت الگو یا در هر مسئله دیگری تأثیر مبنایی داشته باشد. البته امام خامنه‌ای به صراحت فرموده‌اند و من تعجب می‌کنم چرا بعضی به این صراحت، اگر می‌خواهند آن را منتسب به ادبیات انقلاب کنند کم توجهی می‌کنند، چون ایشان فرمودند ایرانی‌ها پیش‌تاز و تولیدکننده‌اش هستند. به تعبیر شهید مطهری اسلام برای ایران و ایرانی در حکم غذای مطبوعی بود که به حلق گرسنه‌ای فرو رود. طبیعت ایرانی این خوراک را جذب کرده از آن نیرو و حیات گرفت و نیرو و حیات خود را صرف خدمت به آن کرد.

(خدمات متقابل اسلام و ایران - ص ۵۷۷)

کیهان فرهنگی: چون شما می‌گویید این طرح الگوی فراگیری در ساخت تمدن اسلامی است این مورد مطرح شد. تمدن کشورها ممکن است در خیلی موارد اشتراکاتی داشته باشد که در مورد مسلمانان چنین است، ولی هر کشوری ممکن است اقتضائات خاص خودش را هم داشته باشد.

همایش برای تبیین ماهیت موضوعات تحولی کار غلطی است. همدسه همایش‌ها ممکن است به درد طرح ضرورت موضوع بخورد ولی قطعاً به درد عمیق کردن و تولید یک موضوع نمی‌خورد.

بله. اگر بوم را به معنی شرایط عینی جغرافیایی بگیری یا فرهنگی یا... برای همین هم متعمداً گفتیم پاسخ تفصیلی را یک وقت دیگر می‌دهم، چون می‌خواهم به اسم بوم دامنه‌اش آن قدر وسیع نشود که به مبنا برسد و مثلاً یکی بگوید می‌خواهیم توسعه را بومی‌سازی کنیم و الی آخر. برای همین متعمداً می‌گویم الگوی پیشرفت اسلامی. ولی ایرانی بودن آن هم در ادبیات انقلاب است، چون ایرانی‌ها دارند این کار را می‌کنند و بحمدالله باید این توفیق را شکرگزار باشیم. من مسئله اصلی را در کلمه «ایرانی» توفیق ایرانی‌ها در ساختن این الگو می‌دانم؛ راجع به مسئله بوم هم اگر فرصت شد وقتی وارد بحث خود الگو می‌شویم آن سطحش را هم معنا می‌کنیم، ولی اگر توجه کرده باشید اصل بحث ما این است که می‌خواهیم گامی در مسیر درک الگوی پیشرفت اسلامی برداشته شود.

کیهان فرهنگی: بسیار خوب. شیوه‌های آموزشی و ترویجی را در مسیر درک الگو نامناسب و ناکارا معرفی کردید. شیوه مطلوب شما چیست؟

روش ما متخذ از جامعه‌شناسی اسلامی است. این روش را هم نمی‌خواهم الان توضیح بدهم ولی در یک جمله می‌توان گفت که اگر شما بخواهید راجع به یک موضوع تحول ایجاد کنید جامعه‌شناسی اسلامی چگونه ایجاد تحول را برای شما تئوریزه می‌کند - که در یک فرصت دیگری راجع به این روش باید توضیح بدهم - ولی الان فرض بگیریم ما آن روش را به کار گرفتیم. حالا

متون آموزشی‌اش را هم آماده کرده‌ایم ترویج کنیم. حالا من سؤال می‌کنم چه طور بعضی در موضوعات تحولی - یعنی موضوعاتی که منشأ تحول هستند - می‌روند و سریع همایش می‌گذارند و کارهای مصاحبه‌ای می‌کنند، و فقط همین کار را انجام می‌دهند! ترویج چه؟ مسئله‌ای که هنوز در تولیدش کار نکرده‌اید؟! با مصاحبه و این‌ها ممکن است شما بتوانید یک ضرورت را جا بیندازید ولی نمی‌توانید به سمت ساخت الگو بروید. پس دلیل دیگر مخالفت‌مان این است که نمی‌توان با همایش و مصاحبه موضوع را به شکل عمیق مطرح کرد. همایش‌های یک روزه و مصاحبه‌های چند ساعته ابزار این کار نیست. البته عده‌ای متوجه شده‌اند که استفاده از همایش برای تبیین ماهیت موضوعات تحولی کار غلطی است. همدسه همایش‌ها ممکن است به درد طرح ضرورت موضوع بخورد ولی قطعاً به درد عمیق کردن و تولید یک موضوع نمی‌خورد. پس ما با روش این دو دسته به دلایلی که آمد مخالفیم و با دوستانمان در استفاده از این ابزارها مخالفت صریح می‌کنیم. الحمدلله دغدغه‌ها نسبت به این موضوع رشد کرده است؛ این پیروزی خیلی بزرگی است که جمعیت‌هایی در درون

انقلاب متوجه شده‌اند با توسعه نمی‌توان به سمت آرمان‌های انقلاب حرکت کرد، ولی همین جریان‌های دغدغه‌مند اگر از روش‌های نامناسب و ساختارهای نامناسب استفاده کنند خطر بزرگتر عدم تعمیق این موضوع اتفاق می‌افتد و بعدها مخالفان جریان الگوی پیشرفت اسلامی و طرفداران توسعه به ما می‌گویند شما تلاش کردید و نتیجه نداد. هر جا حضور پیدا می‌کنیم می‌گویند بیا بید همایشی بگذاریم، مقاله‌ای



بنویسید، یادداشتی در فلان نشریه بنویسید. ما به مثابه ماه برستی حضرت ابراهیم علیه السلام با دوستان همراهی و مباحثات می‌کنیم چون باید رحماء بینهم بود، ولی همیشه حرف را با صراحت مطرح می‌کنیم؛ از اول به آن‌ها گفته‌ایم که با این روش‌ها نمی‌شود به نتیجه رسید. اما چه روشی برای انتقال این موضوع به کار بردیم؟

کیهان فرهنگی: شما در صحبت‌هایتان پیوسته از الگوی پیشرفت اسلامی نام می‌برید. قبل از ادامه سخن بفرمایید الگوی شما چقدر مسایل بومی را مد نظر دارد؟

به نظر من مسئله ایرانیّت تأثیر مبنایی روی الگوی پیشرفت اسلامی ندارد و علت استعمال اصطلاح «ایرانی» در الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی که در ادبیات انقلاب توسط امام خامنه‌ای مطرح شده، این است که بالاخره ایرانیان در نشر و گسترش اسلام توفیق بیشتری داشته‌اند و اعراب توفیق نداشتند؛ با این که پیامبر در عربستان مبعوث شدند. اما اعراب با امامان ما مخالفت کردند و آن‌ها را شهید کردند، خود پیغمبر را اذیت کردند؛ لذا خدای تعالی

مورد انکار نباشند، ولی نتوان با آن مسئله پیشرفت الگوی اسلامی را جا انداخت. اصل دوم را با مثال پیشگیری از جرم تبیین می‌کنم. عنوان بحث با قوه قضائیه «پیشگیری از جرم» است و می‌خواهید مسئله الگو را با استفاده از این موضوع تبیین کنید. تحلیل‌های مختلف پیشگیری از جرم را مطرح می‌کنید. مثلاً تقسیم‌بندی‌هایی گفته‌اند که پیشگیری وضعی داریم، کیفری، غیرکیفری، پیشگیری اجتماعی و... ضمن این که بر این تعاریف نقد می‌زنیم (که الان نمی‌خواهم این کار را بکنم چون نمی‌خواهم موضوع پیشگیری را بازکنم) بر اساس تحلیل انقلاب و اسلام پیدایش جرم را ریشه‌یابی می‌کنیم. اسلام در باره پیشگیری چه گفته است؟ پاسخ اسلام در قالب تئوری «پیشگیری بنیادین» تئوریزه شده است. بر اساس این تئوری اگر در سال‌های شکل‌گیری شخصیت، عواطف فرد، آموزش‌ها و رفتارهای اولیه‌ای بر اساس آموزش‌های اسلام شکل بگیرد، این شکل‌گیری شخصیت بر این اساس، مادر و اساس پیشگیری از جرم است. به عبارت دیگر منشأ اصلی پیدایش جرم خدشه به عواطف و آموزش‌های اولیه و رفتارهاست. این خدشه در کجا شکل می‌گیرد؟ جواب اسلام را می‌گوییم: خدشه‌های بنیادین به شخصیت و جایگاه شکل‌گیری صحیح شخصیت در نهاد خانواده است.

ما از پیشگیری شروع کردیم و به نهاد خانواده رسیدیم. مادر ایجاد جرم خانواده غیر اسلامی است. اگر یک خانواده تضعیف شد خروجی‌اش چه می‌شود؟ ایجاد استعداد اجتماعی برای انجام جرم.

چه چیزی خانواده را تضعیف می‌کند؟ یکی از این عوامل، الگوی آموزش جامعه است. به نظر ما الگوی آموزش کنونی، ضد خانواده است. به چه بیان؟ به این بیان که فرد مثلاً از سن ۷ سالگی وارد نظام آموزشی می‌شود تا هنگام فارغ‌التحصیلی، بخشی از دوران آموزش وی با سن ازدواجش تلاقی می‌کند و سن ازدواج بالا می‌رود. یعنی دوران آموزشی که تمام شد ده سال از سن ازدواج فرد گذشته است. پس نظام آموزشی خانواده را تضعیف می‌کند؛ این یک عامل تضعیف‌کننده. نظام آموزشی بخشی از الگوی توسعه است. نظام آموزشی متناسب با Development و توسعه، ضد خانواده است. البته الگوی آموزش^(۳) از این حیث هم که افراد را آماده پذیرش زندگی مشترک نمی‌کند خانواده را تضعیف می‌کند.

الگوی مصرف نیز نهاد خانواده را تضعیف می‌کند. به چه معنا؟ به این معنا که شما پس از سن آموزشی تا می‌آید لوازم شروع یک زندگی را تأمین کنید (طبق الگوی مصرف روز جامعه) زمانی از شما می‌برد که علت تأخیر در تشکیل نهاد خانواده است؛ البته این الگوی مصرف فقط نقشش در تأخیر شروع زندگی نیست. خود زندگی هم که شروع شد پدر و مادر باید هم‌مشان این باشد که این الگوی مصرف را تأمین کنند. تلاش برای تأمین هزینه‌های این الگوی مصرف، نقش پدر و مادری را به نقش نان‌آور مذکر و نان‌آور مؤنث خانه تنزل می‌دهد. پس الگوی مصرف هم در شروع زندگی خانوادگی اسلامی و هم در کیفیت آن مانع ایجاد می‌کند. کمترین عارضه الگوی مصرف انتقال کودکان و تربیت آن‌ها به



ما طبیعتاً باید با این نیروهای خودی که طیف وسیعی را در بر می‌گیرند ایده جمهوری اسلامی را به صورت تفصیلی تفاهم کنیم و دیگر نمی‌توانیم بگوییم عیب از این‌هاست. نظریه پرداز - که انقلاب باشد - باید ایده خود را روشن و تبیین نماید و درباره آن بحث کند.

من خروجی‌اش را به شما نشان می‌دهم. ببینید! اصلاً آموزش نیست ترویج هم نیست و اتفاقاً یک قدم درک ما را به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی هم نزدیک می‌کند.

اگر کسی درک از جامعه‌شناسی اسلامی داشت و خواست برود به سمت تحول، سه اصل را به طور اجمالی باید رعایت کند؛ از توضیح تفصیلی می‌گذرم، اولین اصل این است که با گروه هدف و مخاطبان از جایی شروع کنید که مورد انکارش نباشد. انکار به چه معنا؟ یعنی موضوعی را ورودی و مدخل بحثتان قرار دهید، که ضرورت و اولویتش مورد انکار نباشد.

به عنوان مثال اگر بخواهیم با استفاده از روش جامعه‌شناسی اسلامی با قوه قضائیه و کادر محترم این نهاد در مورد مسئله الگوی پیشرفت اسلامی تفاهم کنیم، بحثمان را از موضوع پیشگیری از جرم شروع می‌کنیم. پیشگیری از جرم یکی از موضوعات انتقال نظام به مرحله الگوی پیشرفت اسلامی است. الان آن وصف اولی که ما از روش جامعه‌شناسی اسلامی استخراج کردیم مد نظر است.

کیهان فرهنگی: آیا این یکی از ۲۷ مورد جدول شماره یک گفت‌مان عدالت و پیشرفت است؟

بله. یکی از ۲۷ موضوع انتقال است. پیشگیری از جرم مورد انکار قوه قضائیه نیست، یعنی هم ضرورتش و هم اولویتش را قبول دارند. اگر ما به قوه قضائیه بگوییم می‌خواهیم برای پیشگیری از جرم کاری انجام بدهیم نه تنها نمی‌گویند به ما ربطی ندارد بلکه می‌گویند اتفاقاً به ما ربط دارد. اولویتش را هم قبول دارند. چون ورودی پرونده‌ها در قوه قضائیه زیاد است.

اصل دوم روش جامعه‌شناسی اسلامی این است که مطلع و ورودی بحث باید قابلیت ترجمه به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی را داشته باشد. ممکن است خیلی از موضوعات از طرف مقابل

اما موضوع انتقال دانشگاه به مرحله الگوی پیشرفت اسلامی موضوع دیگری است.

بانک سؤالات عدالت و پیشرفت موضوع انتقال جریان‌های دانشجویی است. البته این بانک مقدمه اساسی راه‌اندازی کرسی‌های آزاداندیشی است. من الان از شما یک سؤال می‌کنم: آیا در ایام انتخابات یا غیرانتخابات وقتی دانشجویی می‌خواهد بیاید در کرسی آزاداندیشی (به آن معنی که انقلاب مد نظرش است) شرکت کند، فضای مناسب وجود دارد؟ آزاداندیشی در دانشگاه باید راه بیفتد که راه آن کرسی‌های آزاداندیشی است. اگر کرسی‌ها راه بیفتند، دانشجوی و استاد ما بدون تشویق در این کرسی‌ها حضور می‌یابند. وضعیت این موضوع در دانشگاه مثل وضعیت پیشگیری از جرم در قوه قضائیه است، آزاداندیشی در دانشگاه ضرورت دارد، اولویت هم دارد؛ غیرقابل انکار است. با توجه به این نیاز چرا کرسی‌های آزاداندیشی جدی گرفته نمی‌شود؟ امام خامنه‌ای می‌گویند من صد بار گفتم ولی راه نینداخته‌اند. چرا؟ به دلیل این که عده‌ای نمی‌خواهند که این بحث‌ها مطرح شود. می‌خواهم دوباره

از این جا روی بحث ما با کسانی است که می‌دانند الگوی پیشرفت اسلامی ابزار ساخت تمدن نوین اسلامی است. طبق مطالعه میدانی سه گروه با سه روش می‌خواهند این انتقال را انجام بدهند، گروه اول از ابزارهای آموزشی برای انتقال ایده محوری انقلاب و تبیین تفاوت توسعه و پیشرفت اسلامی استفاده می‌کنند. ما به سه دلیل با این روش‌ها مخالفیم

برگردم عیب خودمان را بگویم؛ عیب نیروهای انقلاب را بگویم. نیروی انقلاب مومن است، ولی ممکن است عیب هم داشته باشد. جمعیتی از نیروهای انقلابی به دلیل این که خودشان به ادبیات و ایده‌های انقلاب مسلط نیستند جرات نمی‌کنند فضاهایی ایجاد کنند که فکر جدید بیاید و مطرح شود، ریسک فضا را نمی‌پذیرند. چرا؟ چون ضعف در خودشان و در تسلط آن‌ها به ایده و ادبیات انقلاب است؛ حالا ما در بانک سؤالات عدالت و پیشرفت چگونگی جبران این ضعف را پیشنهاد داده ایم. این احساس ضعف باعث می‌شود اگر جایی اختیار در دست دوستان باشد فضا را باز نکنند. امام خامنه‌ای که به ایده و ادبیات انقلاب مسلط است و غلبه فکر اسلامی بر فکر مدرنیته را می‌داند با شجاعت می‌گوید این راه را باز کنید. امام راحل عظیم‌الشان سر قضیه ناوهایی که در ایام جنگ تحمیلی به خلیج فارس آمده بودند در پاسخ به یکی از آقایان که گفته بود با این ناوها چه کنیم؟ گفتند: من بودم می‌زدم. به خاطر این که امام اتکال علی‌الله و حالت غنا دارند؛ نمی‌ترسند. اما نیرویی که می‌خواهد برود این کار را اجرا کند می‌گوید: اقا! آمریکا هست ها! ممکن است ابهت کفر بگیردش. در مسئله کرسی‌های آزاداندیشی و جنگ نرم همین داستان وجود دارد. به نظر من بخشی موثری از قضیه این است. وقتی مسئله جنگ نرم و کرسی‌های آزاداندیشی مطرح می‌شود امام خامنه‌ای همین حالت اتکال علی‌الله را دارند.

مهدکودک است.

سومین عامل تضعیف‌کننده خانواده الگوی تولید مدرن است. الگوی تولید جامعه نگاهش به زن این است که زن نیروی کار است. نگاه به زن بر اساس اولویت‌های الگوی تولید این طور است؛ با این وصف انتظار شوهرداری و همچنین مادری انتظاری فرعی است؛ البته متغیر اصلی تربیت، مادر است ولی پدر هم متغیر است. به هر حال «تربیت» کار پدر و مادر است ولی کار اختصاصی زن شوهرداری است که بتواند برای مردش امنیت ایجاد و او را پایبند به خانه بکند. خانه بشود محل سکینه. یعنی شما از محل کارتان با شوق به خانه بروید و بگویید از سختی‌های روزانه دارم می‌روم به محل امن؛ این مسئله ریشه سعادت است. اگر خانه‌ها محل‌های امن برای بچه‌ها و پدر و مادر باشند جامعه سعادت می‌یابد. وقتی الگوی تولید زن را نیروی کار تعریف کند شوهرداری و مادری و این جور نقش‌ها کار فرعی می‌شود و در نهایت هر سه عامل باعث تضعیف نهاد خانواده می‌شود. نهاد خانواده که تضعیف شد استعداد اجتماعی برای جرم افزایش می‌یابد. پس ما از پیشگیری شروع کردیم ولی به مسئله ضرورت بازنگری در ساختارهای کلان اداره جامعه رسیدیم. ورودی و مدخل بحثمان پیشگیری بود، یعنی مورد انکار نبود ولی در گام دوم توانستیم این مسئله را مبنایی تحلیل کنیم و تولید الگوی پیشرفت اسلامی را به عنوان لازمه پیشگیری مبنایی مطرح نماییم. البته منکر کار کوتاه‌مدت نیستیم. کار کوتاه‌مدت هم هر چه می‌توانیم انجام می‌دهیم، ولی باید مبنایی الگو را تغییر داد تا بتوان پیشگیری کرد. پس این وصف دوم موضوعات انتقال نظام است.

اصل سوم روش جامعه‌شناسی اسلامی بر انتخاب موضوعی تأکید دارد که قدرت ایجاد مشارکت اجتماعی نخبگان، مسوولان و مردم نسبت به موضوع انتخاب شده در آن باشد. یعنی همین الان با توان علمی حوزه، دانشگاه، مسوولان و بقیه توان‌ها بتوان بحث را شروع کرد. پس وصف سومش این است که آن موضوع قابلیت ایجاد مشارکت داشته باشد.

کیهان فرهنگی: آیا این کار الان انجام شده است؟

آن چه در جدول هست باید مورد پردازش اجتماعی قرار بگیرد. در صورت پردازش این موضوعات بدون استفاده از شیوه‌های ترویجی و آموزشی عزم ملی نسبت به موضوع الگوی پیشرفت اسلامی ایجاد می‌شود. لازم نیست افراد با سیاست‌های تشویقی و تنبیهی در کارگاه آموزشی شرکت کنند.

قوه قضاییه متوجه است که اگر مسئله پیشگیری از جرم را حل نکنند، چه مشکلاتی پیش می‌آید. مسئله پیشگیری از جرم یکی از محورهای ۲۷ گانه انتقال است. کدام انتقال؟ انتقال از بی‌درکی الگوی پیشرفت اسلامی به درک الگوی پیشرفت اسلامی! موضوعات انتقال نظام به مرحله الگوی پیشرفت اسلامی به فضل الهی برای فهم الگو ظرفیت‌سازی می‌کنند.

کیهان فرهنگی: قوه قضائیه در جایگاهی است که نمره

نمی‌خواهد بگیرد، بلکه می‌خواهد مثلاً در اثر سیاست‌هایی

از میزان پرونده‌های ارسالی به آن کاسته شود.

پس نیاز به سیاست تشویقی ندارد که روی این موضوع بیاید.

نتیجه داشت و نمی توان زمان نامحدودی را برای پیگیری برنامه قایل شد چون ممکن است در وسط راه به دلایل مختلف سستی در جمعیتی پیدا شود. برآورد یا ارزیابی تان در این زمینه چیست؟

با اتکال علی الله و با توسل به حضرت ولی عصر ارواحنا فدا، ما همین امروز حاضریم قرارگاه موضوعات انتقال نظام را راه اندازی کنیم. امکانات و مقدرات و اختیاراتش باشد ما همین امروز حاضریم به فضل الهی کار را راه اندازی کنیم.

کیهان فرهنگی: چه کسی باید این امکانات را در اختیار بگذارد؟

مسئله این است که ما الان همه نظام نیستیم. ما یک جزء ناپیدا در مجموعه نظام محسوب می شویم. ما خودمان را جزو قافله می دانیم؛ آرزویمان این است که نظام هم ما را جزو خودش حساب کند. البته الان ما را جزو مردم حساب می کند. بالاخره به عنوان یک طلبه ساده حساب می کند. ما جزو نیروهای نظام محسوب می شویم، جزو سیاهی لشکر نظام، ولی آنهایی که دارند تصمیم سازی می کنند همان طور که اوایل عرایضم عرض کردم، از شیوه های آموزشی و ترویجی استفاده می کنند.

کیهان فرهنگی: تلاش شما چه بوده است؟

ما هر جلسه ای بوده رفته ایم و بحث را توضیح داده و جدول را معرفی کرده ایم، ولی لوازم راه افتادنش جای دیگر است. ما به بخش هایی از نظام پیشنهاد دادیم و گفتیم مقدرات و اختیاراتش باشد مثلا فاز صفر بانک سوالات عدالت و پیشرفت را شش ماهه راه می اندازیم؛ از همین امروز هم شروع می کنیم. می خواهیم بحثمان در تبیین بحث خودمان باشد، ولی متأسفانه می گویم دوستان ما در شیوه های غربی گیر کرده اند و دنبال همین همایش های مصطلح یا همین دوره های آموزشی اند و توجهی به این مسایل ندارند. ما به آن ها هم صریح و بدون مدهانه گفته ایم؛ امروز هم عرض می کنم بدون روش جامعه شناسی اسلامی دوستان دغدغه مند ما نمی توانند نسبت به الگوی پیشرفت اسلامی تحول ایجاد کنند و این غفلت بزرگی است که در آخرت باید جوابگو باشند. البته من خیلی خوشبین هستم، به فضل الهی خوشبین هستم و این که مدد الهی به مدد بیاید (کما این که تا الان هم آمده است) و کار با مدد الهی بر قلوب مؤمنین بنشیند. ان شاء الله.

کیهان فرهنگی: اگر چنین نشود، چه؟ چه تصمیم دیگری می توانید برای پیگیری طرحی که می گوید در جهت ساخت تمدن اسلامی و پایداری و بقایش است، بگیرید؟

خدای متعال به اندازه همین توان، ما را مؤاخذه می کند، البته این توان امداد شده است، اصل توان هم خودش امدادی است. امداد اولیه ای هست. از اول تا آخرش خدای متعال امداد کرده که بحث به اینجا رسیده است. ولی مسئله این طور نیست که ما که الان این طرح را مطرح می کنیم از ارزیابی خودمان غافل باشیم. ان شاء الله بعد از این هم غافل نباشیم. هر جا در هر جلسه ای دوستان اشکالی وارد کردند بلافاصله مورد تأمل قرار دادیم. جالب است بدانید که پیش نویس اولیه این جدول سال ۱۳۸۷ تولید شد و الان که به پیش نویس دوم نقشه راه رسیده است در واقع پیش نویس

اتکالشان به معارف اسلامی و ذات لایتنهای پروردگار است، برای همین ولی خدا^(۴) احساس ترس ندارد، اما وقتی مسئولیت را به زیرمجموعه می دهند - که دارای ایمان کمتری است - مثلا می گویند: با توسعه که نمی توان درافتاد! بنابراین در زمینه علوم انسانی فضا را باز نمی کنند.

برای رفع این مشکل ما در جدول شماره یک گفتمان عدالت و پیشرفت، بانک سوالات عدالت و پیشرفت را پیش بینی کرده ایم. بانک سوالات متولدکننده و مادر این فضای باز است، به صورت تمثیلی توضیح می دهیم؛ در ایام جنگ تحمیلی شما سه ماه نیروهای مردمی را در پادگان دوکوهه آموزش می دادید و برای نبرد با دشمن می فرستادید. در دوران جنگ امکان استفاده از دوره های آموزشی درازمدت در آموزشگاه های نظامی وجود نداشت، سه ماه آموزش و سپس حضور در میدان جنگ.

در فضای جنگ نرم هم، «بانک سوالات عدالت و پیشرفت» دو کوهه جنگ نرم است. سه روز آموزش در این بانک، فرد را توانمند می کند تا در یک موضوع خاص با سوال انقلاب از غرب آشنا شود.^(۵) وقتی توانمند شد جرأت برای راه اندازی کرسی های آزاداندیشی پیدا می کند. در فاز صفر بانک، مثلا سوالات انقلاب از

بدون روش جامعه شناسی اسلامی دوستان دغدغه مند ما نمی توانند نسبت به الگوی پیشرفت اسلامی تحول ایجاد کنند و این غفلت بزرگی است که در آخرت باید جوابگو باشند. البته من خیلی خوشبین هستم، که مدد الهی به مدد بیاید (کما این که تا الان هم آمده است) و کار با مدد الهی بر قلوب مؤمنین بنشیند.

این، جواب خوبی نیست که بگوئید ساختارم دستم را بسته است. مگر ساختار چه محلی از اعراب دارد؟ باید تلاش کنید ساختار را تغییر بدهید. اهداف و آرمان ها برای ما اصل هستند. این را امام خامنه ای فرمود؛ لذا نظام سازی ما امری تدریجی است و ساختار حکومت را اصلاح می کنیم. کلیددار اصلی نظام می گوید ساختارها اولویت ندارند و باید به نفع آرمان ها تغییر کنند.

مدرنیته و از توسعه را آماده کرده ایم. هشتاد و یک تقسیم دارد. وقتی بانک سوالات راه اندازی شود یکی از خاصیت های این خواهد بود که نیروهای انقلاب جرئت می کنند کرسی های آزاداندیشی را راه اندازی کنند. البته الان هم یک جمعیت هایی کاری با ساختارها ندارند و خودشان وارد این عرصه شده اند. ما در جنگ نرم الان جنگ چریکی داریم؛ جنگ منظم نداریم. یکی از ۲۷ موضوعی که در جدول هست همین بانک سوالات است. بانک سوالات باعث می شود شما در جنگ نرم، جنگ منظم قاعده مند و قابلیت طراحی عملیات داشته باشید. بانک سوالات موضوع انتقال جریان دانشجویی و آرمان خواه است.

کیهان فرهنگی: در هر کار جدیدی که شروع می شود یا برای تکمیل کارهای گذشته، باید زمان بندی برای دستیابی به



جمعیت‌هایی در درون انقلاب متوجه شده‌اند با توسعه نمی‌توان به سمت آرمان‌های انقلاب حرکت کرد، ولی همین جریان‌های دغدغه‌مند اگر از روش‌های نامناسب و ساختارهای نامناسب استفاده کنند خطر بزرگتر عدم تعمیق این موضوع اتفاق می‌افتد

توانسته‌ایم کار را جلو ببریم بعضی از علمایی هستند که در قم خدمتشان می‌رسیم ولی باید به این موضوع توجه داشت که به نظر من عمده این بحث بر دوش نسل جوان حوزه است، چون آقایان زحمت کشیده‌اند و انقلاب را تا اینجا رسانده‌اند، نسل جوان باید آن را پیش ببرد.

سیزدهم آن جدول اولیه است. یعنی سیزده بار مجموعه جلسات ما منجر به این شد که زوایای بهتری از طرح تبیین بشود. در این راه، خدای متعال عنایت فرمود و به برکت همین مباحثه با مؤمنین بود. هر جای دیگر هم کسی بگوید من شیوه‌ای دارم که آموزشی نیست یا دلایل ما را در شیوه آموزشی نقد کند مورد توجه قرار می‌دهیم. جلسات زیادی با افراد مختلف داشته‌ایم؛ از نیروهای اجرایی گرفته تا نیروهای علمی محض؛ با شخصیت‌های مختلف در ساختارهای مختلف از مجلس و قوه قضائیه و دولت و دانشگاه و حوزه و ... هر جا رسیده‌ایم استدلال‌ها مورد دقت قرار گرفته است.

همیشه ما این سخن را در همه جلسات مطرح کرده‌ایم که اگر شما می‌پذیرید با شیوه‌های موجود نمی‌توان کاری کرد این، جواب خوبی نیست که بگویید ساختارم دستم را بسته است. مگر ساختار چه محلی از اعراب دارد؟ باید تلاش کنید ساختار را تغییر بدهید. اهداف و آرمان‌ها برای ما اصل هستند. این را امام خامنه‌ای فرمود؛ لذا نظام‌سازی ما امری تدریجی است و ساختار حکومت را اصلاح می‌کنیم. اگر به فرض نظام ریاستی ۲ درجه ما را به آرمان‌هایمان می‌رساند و نظام پارلمانی دو و نیم درجه، نظام پارلمانی را جایگزین می‌کنیم. کلیددار اصلی نظام می‌گوید ساختارها اولویت ندارند و باید به نفع آرمان‌ها تغییر کنند.

کیهان فرهنگی: کلیت حوزه (در حد مراجع) چقدر از این برنامه شما حمایت می‌کنند؟

از جمله افرادی که فضا را باز کرده‌اند و تا همین حد هم



کیهان فرهنگی: ولی شاید دانش نسل جوان به تنهایی کفایت نکند.

ما بریده رفتار نمی‌کنیم و دائم گزارش کار را خدمت مراجع معظم می‌دهیم. یعنی شخص بنده تا حالا توفیق داشته‌ام که حداقل به محضر سه مرجع تقلید گزارش بدهم. بزرگواری کردند و با این که ما طلبه حقیری محسوب می‌شویم در حوزه وقت دادند و ما گزارش بحث را دادیم، تشویق کردند، بعضاً کمک‌هایی به مسئله کردند، ولی آن چه مسئله اصلی است (احساس بنده این است) تا همین جای انقلاب که ما این درک را داریم مدیون امام راحل عظیم‌الشان است که مراجع و روحانیت هم کمک ایشان کرده اند؛ بنابراین ما این موضوع را بیشتر متوجه نسل جوان حوزه به معنای یک قدم پائین تر از بزرگ‌های محترم حوزه می‌دانیم. برای همین روی نسل جوان حوزه بیشتر متمرکز هستیم. هر جا هم مسئله یا مشکلی باشد و باید به محضر مراجع برویم این کار را می‌کنیم. البته کلیت حوزه متکفل این مسئله است. بعضی از مراجع هم درس خارج را روی مسائل حکومتی شروع کرده‌اند و همین بحث را دارند مطرح می‌کنند. بیشتر مشکل برمی‌گردد به آن‌هایی که متکفل آن موضوع‌اند و دائم می‌گویند ساختار اجازه نمی‌دهد. خدای متعال فضای انقلاب را مساعد کرده و فرصتی است که ما به این مسائل فکر کنیم. من به عنوان عرض آخرم می‌گویم این موضوع بیداری اسلامی و قیام ضد وال استریت و بحران‌هایی

(مدظله العالی) در این موضوع گزارش داده‌ایم. بهترین جایی که توفیق شد این گزارش را به دستگاه‌های منصوب امام خامنه‌ای بدهیم همین مرکز الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی است که آقای واعظ‌زاده مسئولش هستند.

کیهان فرهنگی: اگر نکته پایانی هست بفرمایید.

فقط یک نکته آن هم از باب فرمایش قرآن به نظر می‌آید که: انقلاب فرصت ایثار و قربانی کردن است، یعنی آدم سعادت‌مند نیازها و خواسته‌های خودش را یکی یکی در راه آیه انقلاب سر می‌برد، انقلاب آیه‌ای است که خدا در عصر ما گذاشته است. آیات مختلف خدا در زمان‌های گذشته هم بوده ولی آیه اجتماعی خدا در عصر مدرنیته، انقلاب اسلامی است. باید برایش قربانی کرد، فداکاری کرد و طبق سنت خدا اگر کسی برای آن فداکاری نکند طی فرآیندی که از مسیر استدراج می‌گذرد سنت استبدال جاری می‌شود. این ناشکری را اعراب زمان پیغمبر مرتکب شدند و به همین دلیل خدا جمعیت‌های دیگری را جای آنها گذاشت، خداوند استبدال قائل می‌شود و ما این توفیق را از دست می‌دهیم. عده‌ای خیال نکنند که تا آخر ممکن است فرصت خدمت‌گذاری برای انقلاب را داشته باشند. در دستگاه امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) همه چیز همین طور است. اگر شکور بودیم نعمت باقی می‌ماند. اگر نبودیم از مسیر استدراج به استبدال می‌رسیم. امیدوارم ما خودمان را راه ببریم که توفیقش نصیب خودمان شود.

کیهان فرهنگی: سپاسگزاریم. ان‌شاءالله در فرصتی در آینده بتوانیم پیشرفت این طرح و برنامه را هم انعکاس بدهیم.

پی‌نوشت‌ها:

۱- شاخص‌های جهانی توسعه سال ۲۰۰۹-۲۰۰۹ (WDI)

۲- ما حالا باید برای شکستن این طلسم فکر کنیم؛ کدام طلسم؟ این طلسم که کسی تصور کند که پیشرفت کشور باید لزوماً با الگوهای غربی انجام بگیرد. این وضعیت کاملاً خطرناکی برای کشور است. الگوهای غربی با شرایط خودشان، با مبانی ذهنی خودشان، با اصول خودشان شکل پیدا کرده؛ به علاوه ناموفق بوده. بنده به طور قاطع این را می‌گویم؛ الگوی پیشرفت غربی، یک الگوی ناموفق است. امام خامنه‌ای (۱۳۸۶/۲/۲۵)

۳- این روزها هم بحث تحول در آموزش و پرورش مطرح است و سندی برای تحول ملی در آموزش و پرورش ارائه شده است. جای سؤال دارد که آیا تحول پیشنهاد شده متناسب با الگوی پیشرفت اسلامی است؟ چگونه این تناسب لحاظ شده است؟ که آن بحث دیگری را می‌طلبد ولی این سؤال را خوب است راجع به این سند مطرح کنیم. مگر الگوی آموزشی هر جامعه بخشی از الگوی پیشرفت و توسعه آن جامعه نیست؟ چه طور ما که هنوز از پیشرفت اسلامی درک متمایز از توسعه نداریم توانسته‌ایم سیستم آموزشی متناسبش را طراحی کنیم؟ این سؤال هست، باید بعد به طور مفصل به آن پرداخت.

۴- الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون. (سوره مبارکه یونس - آیه شریفه ۶۲)

۵- روز اول دیدگاه انقلاب را درباره آن موضوع خاصی که آمده آموزش ببیند برایش جا می‌اندازیم. روز دوم دیدگاه غرب را که موازی این دیدگاه است تبیین می‌کنیم و روز سوم سؤالاتی که باعث می‌شود دیدگاه غرب بر اساس دیدگاه و ادبیات انقلاب مورد چالش قرار بگیرد را مطرح می‌کنیم؛ کارگاه سه روزه در بانک سؤالات می‌گذاریم.

آیه اجتماعی خدا در عصر مدرنیته، انقلاب اسلامی است. باید برایش قربانی کرد، فداکاری کرد و طبق سنت خدا اگر کسی برای آن فداکاری نکند طی فرآیندی که از مسیر استدراج می‌گذرد سنت استبدال جاری می‌شود.

که در غرب به وجود آمده است از دو حیث باز فضا را برای این موضوع آماده کرده است. حیث اول این‌که با نابود شدن دیکتاتورها و معلوم شدن ناکارآمدی‌ها در بخش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ناکارآمدی الگوهای غربی تبیین شده است. مسئله دیگرش هم این‌که چون مستعمرات آمریکا در منطقه از دست رفته است دیگر خیلی نمی‌تواند مثل گذشته ایران را اذیت کند و این یعنی فراغت بال بیشتر برای حل این مسائل. این فراغت بال شکر بیشتری را هم می‌طلبد؛ مجموعه شرایط انقلاب فضای بسیار مناسب‌تری را برای پرداختن به این بحث‌ها برای نیروهای انقلاب آماده کرده است. کیهان فرهنگی: می‌خواهیم برای حسن ختام پرسیم که آیا رهبری در جریان فعالیت شما از ابتدا قرار گرفته‌اند؟

اجمالی از بحث را به جناب آقای صادق واعظ‌زاده به عنوان منصوب مقام معظم رهبری

